

گزارش حوادث اخیر کردستان

مقاومت مردم کردستان در مقابل سرکوب خشن حکومت

تداوم اعتراضات و مقاومت مردم در شهر مهاباد، گسترش تظاهرات در دیگر شهرهای کردستان را دامن زد. مردم شهرهای پیرانشهر، بوکان، سردشت و مریوان به پشتیبانی از مردم مهاباد دست به اعتراض زدند. هزاران نفر از مردم پیرانشهر از بعدازظهر ۲۸ تیر ماه به خیابان‌ها ریخته و دست به تظاهرات زدند. مردم شهرهای بوکان، سردشت و مریوان در پشتیبانی از مردم مهاباد به خیابانها ریختند. نیروهای سرکوبگر برای مقابله با مردم از گاز اشک آور و تفنگ‌های ساچمه استفاده می‌کردند و در شهر بوکان عملاً حکومت نظامی اعلام کرده و از رفت و آمد مردم جلوگیری می‌کردند.

خسرو کردپور روزنامه نگار ساکن مهاباد در گفتگویی با صدای آلمان می‌گوید: «میتوانم بگویم که الان یک وضعیت فوق العاده اعلام نشده وجود دارد. در روزهای گذشته عملاً شهر در کنترل نیروهای ضدشورش قرار دارد. این نیروها در شهرهای دور از مرکز همچون کردستان با خشونت بیشتری وارد میدان میشوند. شاید یک دلیل این باشد که پوشش خبری و حضور در این مناطق نسبت به تهران بسیار کمتر است. ببینید هزاران نفر که اهل این شهر نیستند یعنی بومی نیستند. به اینجا آورده اند. تک تک آنها هم نظارت نمیشوند. یعنی نمیتوانند نظارت شوند. من اخبار متعددی به دستم رسید که اینها شبها در خیابان میگشتند و شیشه های خانه هایی که

چهارشنبه ۲۲ تیرماه، همراه شد با مراسم شانزدهمین سال ترور دکتر قاسملو و ابعاد وسیعتری به تظاهرات مردم مهاباد داد. از شهرهای اطراف نیروهای انتظامی کمکی به مهاباد آورده شدند در این روز در سطح شهر بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری‌های شدیدی در گرفت.

یکی از اهالی مهاباد در گفتگویی با صدای آلمان روز ۲۳ تیرماه، میگوید: «شوانه جزو افرادی بود که مراسم شادی بخاطر تغییرات کردستان عراق از جمله رییس جمهور شدن آقای طالبانی و سوگند خوردن آقای بارزانی را بعنوان رییس حکومت کردستان عراق در شهر مهاباد سازماندهی کرد و این مسئولان محلی را خوش نمی‌آمد. کشته شدن ایشان باعث شد تظاهرات سیاسی در مناطق مختلف شهر به راه افتد. دیروز و امروز مردم شهر تصمیم گرفتند به این اعتراض‌ها بپیوندند. تعداد زیادی از اصناف شهر مغازه هایشان را بستند. تا این لحظه که من با شما صحبت میکنم وضع شهر فوق العاده است. مردم میخواهند بدانند شوانه چرا کشته شد.»

روز های بعد تظاهرات ادامه یافت در روز جمعه ۲۴ تیرماه تظاهرات وسیع‌تر شد و بر اساس اخبار «جمعیتی بالغ بر هزار نفر با سر دادن شعار و آتش زدن لاستیک، برای هفتمین روز پیاپی در اعتراض به قتل شوانه سیدقادر به دست نیروهای امنیتی رژیم، به طرف میدان استقلال حرکت کردند و با رسیدن به این



چراغ آنها روشن بود با باتوم خرد میکردند. در نتیجه بسیاری مردم از ترس چراغ خانه را

میدان، جمعیتی بالغ بر دو هزار نفر به آنان پیوستند. تظاهرات با شعارهای مرگ بر "جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای" و "شوانه راهت ادامه دارد" ادامه یافت. در این هنگام، ماموران لباس شخصی و نیروهای گارد ویژه و مزدوران محلی رژیم (جاش های منگور) با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی به تظاهرکنندگان حمله کرده و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دادند»

نزدیک به دوماه از آغاز درگیریها بین مردم و نیروهای انتظامی در شهرهای کردستان میگذرد. در این دو ماه تعداد بسیاری از مردم و بویژه جوان کشته و زخمی شده و بسیاری نیز دستگیر و زندانی شده اند سیاست عمومی رژیم در این دو ماه بر عدم توجه به خواسته ها و مطالبات مردم و سرکوب خشن و بیرحمانه آنها قرار داشت. درگیری این سیاست، ضمن اعمال سانسور خبری شدید در روزنامه های داخلی، چندین واحد نیروهای انتظامی کمکی از استانهای دیگر و از جمله کرمان به شهرهای کردستان اعزام گردید. علیرغم این ترفندها ابعاد وسیع اعتراضها و خشونت بی حد نیروهای انتظامی و حضور سازمانهای سیاسی کرد، باعث شد تا اخبار تظاهرات و درگیری‌های مردم با نیروهای انتظامی در شهرهای کردستان، انعکاس بیرونی یابد و سانسور خبری رژیم بی‌اثر شود.

روز ۱۸ تیرماه بدنال یک سلسله تظاهرات در نقاط مختلف شهر مهاباد، ماموران انتظامی، دست به تیراندازی زده و چند نفر زخمی و دستگیر میشوند در بین زخمی‌ها یکی از جوانان فعال شهر، "کمال اسفرین" مشهور به شوانه، بنا به گفته شاهدان عینی، به پشت ماشین بسته و بر روی زمین کشیده می‌شود و جسد مثله شده‌اش را فردای تظاهرات تحویل خانواده وی می‌دهند.

از فردای این روز شهر مهاباد شاهد اوجگیری حرکات اعتراضی مردم علیه این جنایت و اجحافات و بی‌عدالتی‌ها و سیاستهای سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی بود. در جریان این اعتراضات تعداد زیادی دستگیر و دهها تن زخمی شدند. شهر مهاباد از روال عادی زندگی خارج شد و بیشتر مغازه ها به حالت تعطیل درآمد. مردم محلات کوی زیبا، باغ شایگان، پشت تپه، میدان استقلال، فلکه شهرداری و با آتش زدن لاستیک و شعار علیه رژیم به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداختند. با اوجگیری اعتراضات مردم، مقامات رژیم نیز بر دامنه خشونت و سرکوب خود افزودند. مراسم خاکسپاری «شواد» روز

در جریان تهاجم خشن و وحشیانه نیروهای مسلح حکومت به مردم سقز چندین تن از مردم مبارز این شهر کشته و بیش از صد تن زخمی شده اند.

شهرسقز روز بعد نیز کماکان تعطیل بوده و تمام مغازه‌ها و بازار در حالت اعتصاب عمومی بسر می‌بردند و رفت و آمد بسیار به ندرت صورت می‌گرفت. در جلو زندان مرکزی و بیمارستان‌ها مردم برای اطلاع از سرنوشت عزیزان‌شان اجتماع کرده بودند. رژیم تعدادی از زخمی‌ها را برای بازجویی به پادگان سقز منتقل نموده و بیمارستان‌ها را از کارکنان بومی و محلی تخلیه کرده بود.

بنا به گفته‌ی شاهدان عینی در جریان اعتراضات مردم سقز، مامورین انتظامی برای ایجاد رعب بیشتر با هلی‌کوپترهای جنگی از فاصله نزدیک نیز بر روی آنان آتش گشودند که باعث کشته و زخمی شدن چند نفر گردید. برای سرکوب مردم در سطح شهر از نیروهای ضدشورش که به تیپ امیرالمومنین مشهورند و لباس‌های سیاه بر تن و روبند و ماسک‌های ضد گاز مجهزند، استفاده شده است.

در جریان تظاهرات روز ۱۲ مرداد در سقز، حسینیه شهر به آتش کشید شد مردم معتقدند که این کار توسط عوامل حکومت صورت گرفته تا از این طریق هم میان مردم بومی و غیر بومی دشمنی ایجاد کنند و هم نیروهای ساده رژیم را به سرکوب ترغیب نموده و هم توجیه شرعی برای جنایاتشان بتراشند.

دبیرخانه کومه‌له-سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، طی اطلاعیه اعلام کرد که: « رژیم در همه کردستان دست به تحریک زده و حتی در مواردی حمله به بانکها را عوامل رژیم ترتیب می‌دهند و به طور مشخص سوزاندن حسینیه شهر سقز توسط عوامل خودشان بوده است تا اعتراضات سیاسی و مبارزاتی مردم را رنگ و بوی مذهبی بدهند و بهانه سرکوب گسترده‌تر بیابند».

همزمان با سقز در پاوه نیز مردم دست به تظاهرات و راهپیمایی می‌زنند در اینجا نیز چون سقز مقابله نیروهای انتظامی بسیار شدید است و تعدادی از مردم کشته و زخمی و دستگیر می‌شوند

با اعلام اعتصاب عمومی در روز ۱۶ مرداد، در غالب شهرهای کردستان، اشنویه، پیرانشهر، سردشت، سنندج، مهاباد، دیواندره، کامیاران و سقز مردم وسیع‌ها از این حرکت استقبال کرده و با اعتصاب گسترده خود، شهرها را به حالت

تظاهرات پرداختند. با تجمع مردم در پارک استقلال و چند خیابان اصلی، شمار فراوانی از نیروهای انتظامی که از شهرهای اطراف و مرکز برای سرکوب مردم اعزام شده بودند، اکثر خیابانهای شهر را به محاصره در آوردند و رفت و آمد را در خیابانهای ششم بهمن، تاج، فردوسی، نمکی، شاپور، وکیل، نبوت، ژاندارمری، قطارچیان، محله دردشت، و میدان کردستان که کانون تظاهرات و درگیری پلیس و لباس شخصی‌ها با مردم بود ممنوع اعلام کردند. در درگیری خیابان فردوسی بر اثر یورش نیروهای انتظامی، تعدادی از تظاهر کنندگان زخمی شدند. پس از آن و تشنج کشیده شدن شهر، مردم خشمگین کلانتری شماره ۲ و چندین ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. در این تظاهرات شش نفر کشته و تعدادی از مردم زخمی شدند و پلیس تعدادی از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد. شبانگاه همین روز نیز پلیس برخی چهره‌های فعال سیاسی و حقوق بشر در کردستان تعدادی از فعالان مدنی و مدافع حقوق بشر این شهر از جمله خانم رویا تلوعی (از اعضای انجمن مدافع حقوق بشر و آزادی زنان) و آزاد زمانی (از اعضای انجمن مدافعان حقوق کودکان) و اجلال قوامی (از اعضای سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان) به اتهام تحریک مردم به تجمع و اعتراض بازداشت کردند. در تداوم مقابله شدید و خشن نیروهای انتظامی با مردم شهرهای کردستان، دامنه اعتراضات روز به روز گسترده‌تر شده و به شهرهای دیگر کردستان نیز کشیده می‌شود بدنبال درگیریهای سنندج، مردم شهرهای سقز و دیواندره نیز به دیگر شهرها پیوستند

صبح چهارشنبه ۱۲ مرداد در ادامه حرکات اعتراضی مردم در شهرهای مختلف کردستان ایران، مردم سقز دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند که با تهاجم خشن حکومتیان به خون کشیده شد. ارگانهای سرکوبگر حکومت با خشونت بی سابقه ای با راهپیمایان در گیر شده به سوی تظاهرکنندگان شلیک می‌کنند. در اثر این تهاجم تعدادی کشته و زخمی می‌شوند. مردم در مقابله با این حمله وحشیانه به خشم آمده به نمادهای رژیم در شهر یورش برده و آنها را به آتش می‌کشند. دادگستری و دادگاه انقلاب، فرمانداری، مخابرات و بانکهای صادرات، ملت، تجارت و فروشگاه قدس از جمله مراکزی است که یا با سنگ تخریب شده و یا به آتش کشیده شدند.

روشن نمی‌گذاشتند. علاوه بر این مسئولینی در اینجا وجود دارند که اصلا به قانون و برخورد قانونی اعتقاد ندارند. مهاباد در استان آذربایجان غربی واقع شده است. بسیاری از مسئولان منتسب به جریان اقتدارگرا حتی در دوران اصلاحات نیز گفتمان خود را که یک گفتمان امنیتی - پلیسی بود، حفظ کردند. اینها با فرهنگ، زبان و مذهب مردم کردستان بیگانه و ناآشنا هستند. « (سایت خبری عصر نو- ۲۵ تیرماه)



علیرغم شدت سرکوب، مردم همچنان مقاومت کرده و بر دامنه اقدامات خود می‌افزایند روز اول مرداد ماه، دوازده روز پس از کشته شدن « شوان»، مردم مهاباد دست به اعتصاب وسیع زده و شهر یکپارچه تعطیل می‌شود جمعیت بسیاری در مقابل زندان مرکزی مهاباد تجمع کرده، خواهان آزادی دستگیر شدگان و تحویل اجساد قربانیان شکنجه و مجازات عاملان و آمران جنایت‌های اخیر مهاباد می‌شوند. بنا بر همین گزارش، شهرهای سقز، بوکان و کامیاران در همبستگی با مردم مهاباد، کلیه مغازه‌ها را تعطیل و اعتصاب عمومی اعلام می‌کنند.

روز شنبه ۸ مرداد تعدادی از مردم شهر سنندج در پشتیبانی از مردم مهاباد و شهرهای دیگر کردستان در مقابل استانداری تحصن کردند. نمایندگان مردم در مذاکره با مقامات رژیم خواسته‌هایشان را که محاکمه شکنجه‌گران و قاتلین جوان مبارز مهابادی و لغو حالت نظامی در شهرهای کردستان و آزادی دستگیر شدگان اخیر بود، اعلام کردند. این تحصن با وعده مساعد استانداری جهت پیگیری خواسته‌های متحصنین پایان یافت. غروب دوشنبه مردم شهر سنندج به بی توجهی مسولین رژیم اعتراض کرده، یک پارچه مغازه‌ها و بازار را تعطیل کردند و به

بقیه از صفحه ۱۳

کشتار جمعی تابستان ۶۷

در خارج از کشور نیز دیگر مدتی است که اقدامات جدی در این باره تعطیل شده و برگزاری سالگردهای این فاجعه هم به صورت یک امر تشریفاتی درآمده. البته فضای بین‌المللی، که دلالتان سرمایه بر آن حاکم هستند و بیش از هر چیز به معامله با حکومت‌مداران ایران و انباشتن خزانه خویش از پول نفت و بازار ایران می‌اندیشند، برای مبارزه در راه ایجاد فضائی در ایران که دیگر چنین فجایی در آن تکرار نشود شاید چندان مناسب نباشد. اما ما به عنوان انسان‌هایی صاحب عقیده که وطنمان ایران است، وظیفه داریم تا با حداکثر تلاش و کوشش خستگی ناپذیر و به صورتی سازمان یافته و با برنامه‌ای منظم برای شکستن فضای موجود مبارزه کنیم.

کشتار جمعی سال ۶۷ به خودی خود یک فاجعه ملی و حادثه‌ای دردناک است، با این همه سعی ما نمی‌تواند محدود به زنده نگهداشتن خاطره آن شود؛ حتی با ایجاد فضائی برای به محاکمه کشیدن آدمکشانی که مستقیماً در این فاجعه دست داشته‌اند و محاکمه آنها در یک دادگاه بین‌المللی یا ملی، خواه صرفاً به خاطر تسکین خاطر یا انتقام‌جویی و خواه بالاتر از آن اجرای قوانین انسانی درباره جنایتکاران باشد، باز هم نمی‌توان مطمئن بود که چنین فاجعه‌هایی در کشور ما تکرار نشود.

من از کشتار جمعی آذر ۱۳۲۵ و حبس و کشتار ملیون و توده‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ یاد کردم که زیر حجاب مبارزه برای سد راه کمونیسم، و در واقع برای تحکیم استبداد سلطنتی استعماری در ایران و غارت ثروت میهن ما صورت گرفت. کشتار جمعی تابستان ۱۳۶۷ نیز محصول اندیشه دینی حاکم بر «جمهوری اسلامی» بود که فرمان آن از جانب رهبری این حکومت و تأیید همگی مسئولان و هواداران جدی آن، برای استقرار یک نظام و حاکمیت نمونه دینی صادر شد. هیچ تضمینی هم وجود ندارد که چنین سرکوب‌ها و کشتارهایی با انگیزه‌ها و به بهانه‌هایی دیگر و در حکومت‌های استبدادی دیگر تکرار نشود. یادآوری و برگزاری سالگرد کشتار اخیر باید دستاویزی باشد که مردم ما مبارزه خود را حول محور ایجاد یک نظام دموکراتیک عرفی و آزاد از هر نوع اندیشه استبدادی دینی و غیر دینی متمرکز کنند، زیرا تنها با استقرار یک نظام دموکراتیک عرفی در کشور است که می‌توان مطمئن بود که دیگر نه تنها هیچکس به خاطر عقیده‌اش اعدام نمی‌شود و به زندان نمی‌رود، بلکه تصور اینکه داشتن یک عقیده اجتماعی یا فلسفی - هرچند مخالف عقاید حاکم و غالب باشد - بتواند جرم یا گناه تلقی شود به ذهن هیچکس خطور نمی‌کند.

نباید به برگزاری تشریفاتی سالگردها دل خوش کرد؛ باید یاد تمام جانبازان راه آزادی و کشته‌شدگان نظام‌های استبدادی دینی و غیردینی را به پرچم مبارزه برای ایجاد و استقرار نظام و حکومتی به معنای واقع دموکراتیک بدل کرد

خواست قطع سرکوب و آزادی دستگیر شدگان برخاسته‌اند.

در بین سازمان‌های داخل کشور می‌توان به دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر اشاره کرد که در اعتراض به قتل یکی از فعالین کرد در مهاباد، اطلاعیه صادر کردند. دبیرخانه جبهه ملی ایران در خارج کشور نیز در ۲۵ تیرماه اطلاعیه در محکومیت جنایت رژیم در کردستان صادر کرد. نهضت آزادی نیز طی اطلاعیه بلند بالایی، به سیاست‌های رژیم در این باره اعتراض کرد.

کانون نویسندگان ایران نیز در اعتراض به اقدامات رژیم در کردستان اطلاعیه صادر و در آن می‌نویسد: کانون نویسندگان ایران هرگونه اعمال خشونت را نسبت به مردم ایران در هر منطقه‌ای که باشد محکوم می‌کند و آن را به زیان منافع ملی می‌داند. کانون بنا به اصول منشور خود بر دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم و مخالفت با سانسور تأکید می‌ورزد و درباره توقیف دو روزنامه هفته نامه محلی ناسو ناشستی اعتراض دارد.»

در خارج از کشور تلاش سازمان‌های سیاسی کرد چون حزب دمکرات کردستان ایران و کوموله - سازمان زحمتکشان کردستان ایران و دیگر سازمان‌های سیاسی کردی بسیار چشمگیر بود. این سازمانها ضمن انعکاس سریع و فوری اخبار تظاهرات و اعتصابات مردم در شهرهای مختلف، حرکت‌های اعتراضی گوناگونی را در سطح شهرهای اروپا سازمان دادند. در کنار سازمان‌های سیاسی کردی، عمدتاً سازمان‌های سیاسی چپ و دمکرات ایران نیز با انتشار اطلاعیه و همراهی و همگامی با سازمان‌های سیاسی کرد، تلاش کردند تا با حمایت از خیزش مردم کردستان، به انعکاس هرچه بیشتر اخبار درباره شهرهای کردستان کمک کنند.

در کنار سازمان‌های سیاسی نقش سایت‌های خبری اینترنتی در انعکاس اخبار مبارزات مردم کردستان و به شکست کشاندن تلاش رژیم برای سانسور خبری، بسیار چشمگیر بود. انتشار عکسهای شکنجه «شوانه» توسط سایتها خود عامل گسترش اعتراضات در کردستان شد و انتشار اخبار حرکت‌های مردم به صورت روزانه توسط سایت‌های خبری و انعکاس آن در غالب سایت‌های خبری اپوزیسیون، ابعاد وسیعی به پوشش خبری مقاومت مردم در کردستان داده بود.

تعطیل درآوردند. درحالیکه بیش از یکماه از آغاز ناآرامی‌ها شهر مهاباد می‌گذرد و غلبه سرکوب شدید و برقراری وضعیت فوق‌العاده در کردستان، وسعت اعتصاب سراسری و یکپارچگی مردم در مقابل سرکوب خشن، نشان از ایستادگی مردم بر روی خواسته‌های خود دارد



نیروهای امنیتی در ظرف دو ماهی که از آغاز اعتراضات مردم کردستان می‌گذرد صدها تن از فعالان حقوق بشر، حقوق زنان، فعالین جنبش کارگری و سیاسی را دستگیر و زندانی کرده‌اند. همچنین تاکنون دو نشریه محلی کردستان توقیف و روزنامه نگاران کرد روانه زندان شده‌اند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان طی اعلامیه‌ای با انتشار اسامی برخی از بازداشت شدگان چون رویا تلوعی، اجلال قوامی، سعید ساعدی، ماح احمدی، برهان دیوارگر، شاهرخ یزدانی، محمدظاهر احمدی پور، هژار رضوی، ناصر یوسفی، صالح غاجانی، شورش نصرالهی، جمشید امینی، هاوار غاجانی، کیوان اسدی، اظهر عبدالله شاهی و دهها نفر دیگر از دستگیرشدگان در شهرهای کردستان، از سرنوشت نامشخص آنان ابراز نگرانی کرده و می‌گوید: «از سویی تلاشهای خانواده‌های این دستگیر شدگان برای آزادی عزیزانشان تاکنون بی‌ثمر بوده است. مقامات قضایی برای آزادی موقت برخی از دستگیر شدگان و تأیید بسیار سنگینی را مطالبه کرده‌اند، از جمله اینکه برای تبدیل قرار بازداشت یک جوان ۱۸ ساله سنندجی مبلغ یک میلیارد ریال درخواست گردیده، که خانواده این جوان ناتوان از تامین و تودیع آن می‌باشند.»

در دفاع از خیزش و مقاومت مردم کردستان، جمعیت‌ها، سازمانها و احزاب گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واکنش نشان داده و عمدتاً به دفاع از خواسته‌های مردم کرد و